



#### تخصصی شما نباشد؟

اساساً دعوای سیاسی هست و باید هم باشد. اما دعوای سیاسی سم مهلکی است که می‌تواند نظام حکمرانی ما را تهدید کند. وقتی که در سازمان برنامه بودم، دعوا وجود داشت. نمی‌گویم جلوی دعوا را گرفتم. بگذارید یک نکته را نقل قول کنم. آقای ابوترابی فرد با آقای پورمحمدی در مجلس ششم بودند و اصولگرایان آن مجلس بودند. حدود هشتاد نفر بودند. وقتی به مجلس می‌رفتم، با خودم پاورپوینت می‌بردم. در دولت هم که می‌رفتم پاورپوینت می‌بردم و آن را به همه اعضای دولت می‌دادم. اعضای دولت می‌گفتند تو تنها کسی هستی که هنگام بحث روی موضوعات مرتبط، روی صندلی خودت می‌نشینی و بلند نمی‌شوی تا در صحن دولت لابی کنی. من این پاورپوینت‌ها را آماده می‌کردم. چون با این کار اطلاعات شفاف‌تر می‌شد. در مجلس هم، بعضی از اصلاح طلبان که برای دفاع پشت تریبون می‌آمدند، مثلاً با جهت‌گیری بحث می‌کردند. آقای پورمحمدی با آقای ابوترابی فرد مرا صدا زدند و گفتند در مجلس حدود ۸۰ نفر هستیم. اما چون که مخالف اصلاح طلبان هستیم. اما چون شما را کارشناس می‌دانیم، همه ما به طرح شما رأی می‌دهیم. تمام اصولگرایان به جز آقای سبحانی به برنامه چهارم رأی دادند. به این دلیل که ما در کمیسیون حاضر شده و موضوع را تشریح کرده بودیم. برای همین توانستیم از تفاوت‌ها و انفعال‌ها عبور کرده و به یک برنامه مشترک برای کشور برسیم.

می‌کردیم، الان جامعه ما به خودش خفر می‌کرد. رفاه در جریان بود.

#### امروز می‌توان به سند چشم انداز رجوع کرد؟

مخاطراتی که اکنون با آن مواجه هستیم، به گونه‌ای است که نمی‌توان با حکمرانی ۲۰ سال گذشته آنها را حل کنیم. اما باز هم معتقدم باید به همان سند چشم انداز رجوع کنیم. سند چشم انداز جهت‌ها را مشخص کرده، اما تاکتیک‌ها و نظام سازی‌های آن با امروز متفاوت است، یعنی امروز باید تاکتیک‌ها و نظام سازی‌های خود را تغییر دهیم. به جد به این موضوع باور دارم که با آمد و رفت احزاب و آدم‌ها و جناح‌ها، درد مملکت ما حل و فصل نمی‌شود. درد مملکت من برای گذار به توسعه یافتگی، زمانی حل می‌شود که بتوانم قانون‌مندی‌های چرخه دولت-ملت را تعریف کرده و به آن متعهد باشیم. مهمترین گیر و مهم‌ترین گره در این چرخه هم این است که مسئولان قبول کنند کارگزار و امانت دار ملت هستند و باید برای ملت کار کنند. اگر اینطور کار کنند، در کوتاه مدت چرخه دولت-ملت راه می‌افتد. دولت در همه حوزه‌ها کالای عمومی ارائه می‌دهد و ملت هم حداکثر کالای خصوصی را ارائه می‌دهد، در کشاورزی و صنعت و خدمات.

سؤال این است که این تنش‌ها و نزاع‌های سیاسی که وجود دارد، برای حل این‌ها چه باید کرد؟ خود شما در آن دوره اصلاحات که واقعاً نزاع‌ها در اوج بود، برای حل آنها چه می‌کردید که مانع کار فنی و

پولی در اختیار دارند. این نشان می‌دهد ایرانی‌ها حجم بالایی از دلارهای خود را در آمریکا و کانادا سرمایه‌گذاری کرده‌اند. منظور اینکه ایران برای رشد اقتصادی به سرمایه‌گذاری دلار نیاز ندارد، بلکه به سرمایه‌گذار نیاز دارد، فناوری و تکنولوژی و مدیریت می‌خواهد. بنابراین، در تعامل مؤثر تعامل اولیه و ثانویه مطرح است. تعامل اولیه یعنی اینکه نظام حکمرانی با جامعه بده بستان داشته باشد. حکومت کالای اقتصادی، امنیت و ثبات تولید کند و جامعه، بازار و بخش خصوصی هم حداکثر کالای خصوصی را تولید کنند. نظام حکمرانی کالای عمومی دارد و جامعه کالای خصوصی. این دو به یکدیگر وابسته هستند. باید یاد بگیریم که سرخرگ وابسته به سیاهرگ است. ما از این قضایا غفلت کردیم. بعد هم برخی مدعی شدند سند چشم انداز سرهم بندی شده است و تدوین کنندگان آرمان‌گرایی کرده‌اند. آدم با شنیدن این حرف‌ها بسیار تأسف می‌خورد. بزرگ‌ترین آرمان‌گرایی رشد ۸ درصدی بود، اما ما در سال ۸۲ به رشد ۸ درصدی دست پیدا کرده بودیم. خود این رشد هم کار فوق‌العاده‌ای نبود، اما قابل قبول بود. بنابراین براساس تجربه سال ۸۲ در سند چشم انداز گفتیم که همین مدل را ادامه دهیم. اگر شما آن موقع بودید، شاید شمشیر بر ما می‌کشیدید که باید بگویید رشد ۲۰ درصدی و چرا گفتید رشد ۸ درصدی؟ اما ما گفتیم اگر همین رشد ۸ درصدی را ادامه دهیم و ترکیه و عربستان هم به همین شکل پیش بروند، ما در سال ۱۴۰۴، از این دو همسایه جلو می‌زنیم. آن موقع تولید ناخالص ملی ایران ۵۳۰ میلیارد دلار بود، رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه نزدیک به ۶۰۰ میلیارد و عربستان هم نزدیک به ۶۰۰ میلیارد دلار. اما الان شاهد یک عقب افتادگی هستیم یعنی ترکیه و عربستان برعکس مسیر ما حرکت کرده‌اند. الان تولید ناخالص داخلی یا حجم اقتصادی ترکیه حدود هزار میلیارد دلار، عربستان ۱۳۰۰ میلیارد دلار و حجم اقتصاد ایران هم ۳۴۰ میلیارد دلار است. بنابراین ایران اکنون در منطقه نقش پایین تری پیدا کرده و جایگاه خود را از دست داده است. با توجه به این شرایط، امروز سوال این است که چه زمانی به خودمان می‌آییم؟ دوم اینکه برای جبران این عقب افتادگی عزم دیگری می‌خواهیم. کار خیلی سختی هم هست. زیرا در ۲۰ سال قبل، برنامه ریزی وابسته به شرایط محیطی خاص آن زمان بود، یعنی شرایطی که انسجام وجود داشت و گسست‌ها کمتر بود و مردم حرف نظام حکمرانی را قبول می‌کردند. اگر برنامه چشم انداز را اجرا